

بود و نمودِ سخن

متن ادبی، بافتار اجتماعی و تاریخ ادبیات



(گزیدهٔ مقاله‌های ادبی)

دکتر احمد کریمی حکاک



سرشناسه : کریمی، احمد، ۱۳۲۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : بود و نمود سخن: متن ادبی، بافتار اجتماعی و تاریخ ادبیات (گزیده مقالات ادبی) / احمد کریمی.
 مشخصات نشر : تهران: نامک، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۶۴۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۱۸-۷
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : ادبیات فارسی -- مقاله ها و خطابه ها
 موضوع : مقاله های فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ب ۹ ک ۴ / ۳۳۸۹ PTR
 رده بندی دیویی : ۸۴۴/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۵۰۶۰۱

نامک در زبان پهلوی (فارسی میانه) به معنای کتاب و نامه است.
 تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶



بود و نمود سخن
 متن ادبی، بافتار اجتماعی و تاریخ ادبیات (گزیده مقاله های ادبی)
 تألیف: دکتر احمد کریمی حکاک
 طرح جلد: علی بخشی
 چاپ اول: ۱۳۹۴
 شمارگان: ۶۶۰ نسخه
 قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-6721-18-7

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۱۸-۷

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.
 تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

دفتر فروش: ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵

فهرست مطالب

.....	سخن نخست	۵
.....	پیش‌گفتار	۷
.....	۱ نژاد، مذهب، زبان، تأملی دو سه انگاره قومیت در ایران	۳۳
.....	۲ مرغان جان و جهان: سیمای سیمرغ در شاهنامه و منطق‌الطیر	۶۱
.....	۳ ادب، اخلاق، اندرز: درباره سه مفهوم در فرهنگ ایران	۹۱
.....	۴ پشت رنگ‌های خزان: زبان شعر فارسی در هند	۱۱۹
.....	۵ یاوه‌سویان، هرزه‌درایان، و شاعران: تحلیلی از سیر پیدایش مقال تجدد در شعر فارسی	۱۴۹
.....	۶ ادوارد براون و مسئله اعتبار تاریخی	۱۸۵
.....	۷ پروین اعتصامی، شاعری نوآور: تحلیلی از شعر «جولای خدا»	۲۰۵
.....	۸ مطبوعات ایران در برابر سانسور از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ش	۲۳۳
.....	۹ یک تجریش است و همین یک آقا: تحلیلی از «کیدالخانین» اثر سیمین دانشور	۲۵۵
.....	۱۰ از درشتی جنگ تا ناشکیبایی جان: چشم در چشم مردی که «شلوار تاخورده دارد»	۲۸۵
.....	۱۱ مکان تکاپو، امکان تکامل: تحلیلی از دل فولاد اثر منیرو روانی‌پور	۳۲۵
.....	۱۲ نگاهی بر موفق‌ترین رمان ایرانی در دهه ۱۳۷۰ ش	۳۵۹

۳۹۹	احمد شاملو، شاعری ماندگار	۱۳
۴۱۷	ایکار و پرومته: یادى از احمد شاملو و فریدون مشیری	۱۴
۴۳۷	نقد ادبی در ایران معاصر: فرضیه‌ها، فضاها، و فرآورده‌ها	۱۵
۴۷۵	تاریخچه ترجمه به زبان فارسی	۱۶
	زادگاه زاینده در رؤیای مسافر کوچیده از وطن: تحلیلی از سه اثر شاهرخ	۱۷
۴۹۷	مسکوب در غربت	
۵۱۹	سیمین، تمثالگر روزگار ما	۱۸
	گفتار درباره بعضی مستفرنگان و فرنگان (از: شادروان استاد محمد جعفر	۱۹
۵۳۹	محبوب)	
	آموزگاران ما، آموخته‌ها و نیاموخته‌های ما: در پاسخ استاد محمد جعفر	۲۰
۵۹۵	محبوب	
۶۲۳	نمایه	

سخن نخست

شاید بتوان گفت که دامنه‌ان انتشار هر کتاب نیز در خود حکایتی است در کنار محتوای آن که در ذهن مؤلف نقش می‌بندد و، بلند یا کوتاه، خوش یا نه چندان و چنان، به پایانی مشخص می‌انجامد. در خصوص کتاب حاضر نیز چنین بوده است. فکر چاپ گزیده‌ای از مقالات ادبی مرا در آغاز دوست یگانه‌ام کریم امامی در سال ۲۰۰۳ میلادی، در خلال بازدید کوتاه من از ایران، با من در میان گذاشت، و البته بی هیچ تردیدی مورد قبول و بلکه استقبال من قرار گرفت. پس از دو گذشت آن عزیز در سال ۲۰۰۵، همسرگرمی‌اش گلی امامی کار را بجد پی گرفت و ایامی از اوقاتش را به آن اختصاص داد، که متأسفانه با جدایی ایشان از سازمان انتشاراتی که در آن کار می‌کرد متوقف شد. یکی دو سال بعد آقای مرتضی هاشمی‌پور از سوی نشر نامک تماس گرفتند و پیشنهاد چاپ این کتاب را با من در میان گذاشتند. دوست دیرینم آقای عبدالحسین آذرنگ نیز پذیرفتند کار ویراستاری و نیز نظارت بر چاپ را سرپرستی کنند، ولی بعداً به دلایلی که هنوز بر من روشن نشده از این کار منصرف شدند.

از سوی دیگر، در آن سال‌ها ممانعت دستگاه دولتی ایران از صدور اجازه‌ی نشر کتاب نیز مزید بر علت شد و کار انتشار را به توقف ناخواسته دیگری دچار کرد. سرانجام در خلال یکی دو سال اخیر با کوشش‌های پیگیر نشر نامک و آقای هاشمی‌پور به نظر می‌رسد مانعی در این کار باقی

نمانده باشد. همچنین دوست جوان من آقای دکتر عبدالرسول شاکری نیز زحمت یک دور بازبینی نهایی متن کتاب را برعهده گرفته‌اند. از این فرصت استفاده می‌کنم و از همه نامبردگان بالا سپاسگزاری می‌کنم. تردیدی ندارم که کتاب حاضر کیفیت نهایی خود را فراسوی توش و توان من مرهون عنایت و زحمات این دوستان و همکاران است.

برای من موجب نهایت خوشوقتی است که می‌توانم این کتاب را در معرض داوری و ارزیابی جامعه کتابخوانان ایرانی و فارسی‌زبان قرار دهم و امیدوار دریافت انتقادات و نظریات ایشان باشم. باید اذعان کنم که در تمام دوران زندگی در غربت غربی با مشکل غیاب خوانندگان علاقه‌مند به مقالاتی از آن نوع که من زندگی حرفه‌ای خود را بدان اختصاص داده‌ام روبرو بوده‌ام، اما همیشه کم و بیش از نظریاتی که خوانندگان کارهای خردم‌پراز داشته‌اند و من از آنها آگاهی یافته‌ام بهره و لذت برده‌ام. در مورد این کتاب نیز چشم امید من به دست و دل و ذهن خوانندگانی دوخته است که آن را با نگاه تیزبینانه خود به بررسی و انتقاد خواهند گذاشت. امیدوارم این کتاب نیز در کنار و در ادامه «طلیعه تجدد در شعر فارسی» راهگشای نقد ادبی روشمند و روشنگری باشد که، به گمان من، جوامع فارسی‌زبان همچنان بدان نیاز مبرم دارند.

احمد کریمی حکای



لندن، مارس ۲۰۱۵

پیش‌گفتار

کتاب حاضر دربرگیرنده گزیده مقالاتی است که در خلال سالیان و در حاشیه تدریس و تحقیق دانشگاهی به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند، و خاستگاه و موقعیت نگارش آنها مورد به مورد متفاوت بوده است. اما مقوله کلی حاکم بر آنها، همچنان که مقوله حاکم بر زندگی حرفه‌ای نویسنده آنها، حرکت متون مشخص ادب فارسی است در راستای زمان، که گاه از زاویه انگاره‌های ذهنی و مفروضات اجتماعی شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان و گاه از دیدگاه سیر و سلوک متن در زمینه‌های اجتماعی گوناگون و برداشت‌های فارسی‌زبانان عصرها و نسل‌های پی‌درپی بدان نگریسته شده است. آنچه در پی‌بشت آن انگاره‌ها و برداشت‌ها می‌توان دید، اما، این نظر است که ادب هزار و چند ساله زبان فارسی نقشی یگانه در شکل دادن به زندگی اجتماعی فارسی‌زبانان در ادوار پی‌درپی، و به ویژه ایرانیان در دو قرن اخیر ایفا کرده است. به گونه‌ای که آن را می‌توان به مراتب بیش از یک عامل در میان عوامل عدیده در تکوین نظام اندیشگی ایشان دانست. در این دو قرن، یعنی در دهه‌هایی که در پی شکست‌های خفت‌بار ایران در جنگ‌های ایران و روس ذهنیت ایرانیان را شکل داده است، مباحثات و مجادلاتی در باب ادبیات و نقش اجتماعی و سیاسی آن در میان نخبگان ایرانی درگرفت و هنوز هم درمی‌گیرد که پیش از آن سابقه نداشت. این مباحثات و

مجادلات رفته رفته ادبیات فارسی را به جایگزین نمادینی بدل کرد که ایرانیان تنگناهای روانی، مشکلات معیشتی، و موانع سیاسی خود را در چارچوب آن مطرح کردند و راه‌های چاره‌ای به فراخور حال و کار خود ارائه کردند. به دیگر سخن، ادبیات به ساختاری بدل شد که در محدوده آن بیان معضلات اجتماعی و اندیشیدن به راه‌حلی‌هایی در هر مورد در قلب وظایفی جای می‌گرفت که شاعر یا نویسنده در کار نوشتن بر دوش خود می‌گذاشت و خواننده در کار خواندن و تأویل و تعبیر و تفسیر می‌کوشید به آن دست یابد و به آن بیان‌دیشد.

♦ از این نقش نمادین دست‌کم دو پیامد عمده دیگر مجال ظهور و بروز یافت: نخست آنکه نفس نوشتن از نویسنده، نوعی «تیپ» اجتماعی ساخت که مفهوم آن نزدیک به آن چیزی بود که امروز - یعنی در دومین دهه قرن بیست و یکم - با کلمه «کنشگر» بیان می‌شود، یعنی معادلی برای کلمه activist در زبان انگلیسی، یا «کوشنده» در دوران معروف به «بیداری»، و «فعال سیاسی» در محاوره رایج در کشور ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم. به موازات این واژه‌ها، دو کلمه «منورالفکر» و معادل آن «روشنفکر» نیز سیر و سلوک تاریخی خود را آغاز کردند، که واژه اخیر تا به امروز نیز در میان ایرانیان رواج دارد. پیامد دوم، که بیشتر به مضمون و محتوای آثار ادبی مربوط می‌شد، تحولی عظیم، ولی اغلب پوشیده و پنهان بود که در ویژگی ماهوی «اجتماعیت» ادبیات رخ داده است و پایه‌های آن را بر انگاره خاک و سرزمین مستقر کرد و به تفکری این جهانی یا دنیوی یا دهری - نه همچون «مادی» در برابر «معنوی»، بلکه همچون زندگی خواهی در برابر مرگ‌اندیشی - پیوند زد. نتیجه این بود که در ذهن ایرانی «منورالفکر» یا «روشنفکر» - یا به اصطلاح امروز «شهروند»ی که خود را از نخبگان می‌داند و «فعال» یا «کنشگر» می‌نامد - رمان یا داستان کوتاه یا انواع شعر در هر حال به گونه‌ای اندیشه‌ای یا دستورالعملی است، یا به نوعی می‌تواند «راهنمای زندگی اجتماعی» باشد در قالب کشوری

به نام ایران یا برای همهٔ کسانی که خود را به گونه‌ای «ایرانی» می‌دانند. نیز از همین منظر بود که نظریه‌هایی دربارهٔ تاریخ ادبیات فارسی شکل می‌گرفت و بیان می‌شد که گرچه در جزئیات تفاوت‌های بارزی داشت در کلیات، گذشته‌ای شکوهمند را در برابر وضعیتی اسفناک در زمانهٔ حاضر می‌دید و آگاهانه یا نیاگاه، آرزوی بازگشت به آن گذشته را، خواه حکومت عدل علی باشد خواه حاکمیت انوشیروان دادگر، آرمان فلسفی-اجتماعی خویش می‌شمرد.

میراث مکتوب ادب فارسی، در شکل و محتوای آثار کلاسیک، تبار آن‌گونه «کنشگری» یا «فعالیت» را دربر می‌گیرد که در آن اجتماعیت به معنای اندیشه‌ورزی و معناجویی هستی‌کلی آدمی است، ولی در شکل و محتوای ادبیات جدید آن «کنشگری» و «فعالیت» را عمدتاً به بروزات اندیشهٔ سیاسی گره می‌زند و اجتماعیت را به گونه‌هایی از «آگاهی»، «تعهد» یا «اکرام» سیاسی اطلاق می‌کند. آثاری که شالوده‌های ادب فارسی را تشکیل می‌دهد، خواه آثار باقیه از تمدن ایرانی پیش از اسلام باشد، خواه قرآن و حدیث و نقل و روایت و حکمت و اخلاقی که می‌توان آنها را در عوالم مقال اسلامی و ملهم از آن آئین تبیین کرد، همه ادبیات را بیان‌نمادین پدیده‌های اجتماعی انگاشته‌اند و نویسندگان را کنشگران راه سعادت؛ گیرم در مسیر آثار در زمان، تحولی را در مفهوم «سعادت» می‌بینیم، از وارستگی و رستگاری به سوی روشنگری و بهروری و هرگاه بخواهیم سرفصل این پیشگفتار را با جمله‌ای دربارهٔ آثار جدید دو قرن گذشته، که بیشتر متون موضوع این مجموعه را تشکیل می‌دهند، به پایان بریم، باید گفت که در فرایند تکوین اندیشیدن به تحول سیاسی و اجتماعی کشور ایران، نه در اندیشیدن به چگونگی رستگاری در قیام قیامت یا راه یافتن به بهشت موعود ادیان اسلامی، بود که ادب فارسی در ذهن نویسندگان ایرانی از نظر پدیدارشناسی دگرگون، یعنی جدید، شد، و شکل و شمایل امروزمین به خود گرفت. نیز در همین فرایند شیوهٔ درک

امروزیان از آثار دیروزی متحول شد، یعنی درک امروزیان از گذشته ادب فارسی، در آغاز کار زمینه‌ساز پیشگویی‌های خوشبینانه‌ای برای آینده‌کشور ایران گردید تا در دوران دیگری آئینه اسف‌ها و اندوهان نسل‌های بعدی گردد، و امروز ما را در برابر پرسش قرار دهد و دعوتی به بازاندیشی در مجموعه اندیشه‌های پیشینیان خویش. امید من این است که کتاب حاضر گامی در این مسیر باشد، و آنچه در این پیشگفتار به دنبال کلیات آغازین می‌آید، نیز شرحی به غایت مختصر درباره‌ای که هر یک از مقالات چگونه می‌تواند در طی این مسیر اندیشه‌زا باشد.

* * *

مقالات این کتاب به ترتیب پیدایش فرایندهای تاریخی، روندهای اجتماعی، و متون ادبی که در آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، از قدیم تا جدید و معاصر، مرتب شده‌اند. از این قرار سه مقاله‌ای که انگاره‌ها و مفاهیم بنیادین ادبیات و دوره‌های مشخص بروزات آن را در متون مورد بررسی قرار می‌دهد و کم و بیش به تاریخ ادبیات فارسی مستقیماً مربوط می‌شود، در آغاز آمده است. آنگاه پنج مقاله بعدی موضوعات و مسائل تجدد در ادبیات فارسی و آغاز سیر تحول در زایش جدید از قدیم تا حول و حوش انقلاب ایران، یعنی سال‌های ۱۲۶۱-۱۳۵۶ هجری خورشیدی، در مروری اجمالی و با عنایت ویژه به اثرات و عوایدی مطرح می‌گردد که تاریخ‌نگاری ادبی را ناگزیر به بررسی روابط پیچیده و گاه پوشیده میان متن ادبی و بافتار اجتماعی می‌کشاند. با مقاله مربوط به داستان «کیدالخانین» تمرکز بر متون ادبی مشخص، و باز در قالب اعتنای وافیه اجتماعی و تاریخی بودن ادبیات، پی گرفته می‌شود که چهار مقاله پی‌درپی را دربر می‌گیرد. از چهار مقاله بعدی نیز دو مقاله به مرور کار و آثار دو شاعر هم‌عصر روی می‌آورد و دو مقاله، دو مقوله مشخص «ترجمه» و «نقد» را در راستای تاریخ و دوران معاصر از نظر می‌گذرانند. سرانجام در بخشی که می‌تواند به گونه‌ای «مباحثه ادبی» تعبیر شود و